

هو الابهی

ای دوستان الهی و مشتعلان بنار محبت رحمانی در این خاکدان ترابی آشیانه نمودن صفت خراطین ارضست و سمت طیور خاک پست مرغان چمنستان الهی جز در گلبن الهی لانه نخواهند و پرندگان بوستان تقدیس جز در حدائق باقی توحید بر سدره تجرید مسکن نجویند بازان اوج عظمت بغیر از هوای سمای عزت محلّ طیران و میدان جولان نخواهند این خاکدان فانی چون سراب بادیّه حیرانی ظلّیست زائل و این عالم ترابی در نظر اولیای الهی از ذره متلاشی پست و حقیرتر است چون از شئون این عالم و محو و فنایش و کدورت و صفایش و کثافت و جفایش و سراب بقیّش و سمّ نقیّش کما هو حقّه واقف و مطلع گشتند از جهان و جهانیان بیزار شدند و از هر چه جز حقّست در کنار گشتند دل بجهان باقی بستند و از این شئون کونی و ظلمات امکانی رستند پری از صفات تقدیس گشودند و در این فضای وسیع پرواز نمودند تا باوج اعلی و ملکوت ابهی و مقعد صدق عند ملیک مقتدر عروج نمودند و بشرف لقای جمال اعلی و نعمت لا تفنی و موهبت عظمی مشرف گشتند

پس ای مخموران صهای الهی و سرمستان جام جذب و موهبت رحمانی از جمیع شئون و فنون و ظهور و کمون و مقتضیات جنون چشم پوشید و از راحت و نعمت و عزت و ثروت و بزرگواری این جهان فانی بگذرید و همت را باقتباس انوار رحمانی و استفاضه مواهب ملکوت صمدانی بگمارید و اگر بلای عظیمه و رزایای شدید رخ دهد و جمیع من فی الوجود بر اذیت و جفای بر شما قیام نمایند محزون مشوید مغموم نگردید و جزع و فرع نمائید بشارت عظیمه از فم مطهر در الواح الهیه وارد و مؤده جانبخش در کتب صمدانیه نازل و مضمون آن کلام مبارک اینست که بلایائیکه بر احبای الهی وارد و صدمات و اذیّات و مصیباتیکه بر عاشقان جمال رحمانی نازل میشود حکمتش اینست که چون این نفوس مقدّسه بمنزله فروع و اوراق سدره مبارکه الهیه هستند لهذا آنچه بر اصل شجره مبارکه الهیه وارد البتّه بر فروع و اوراق آن نیز نازل میشود حال چون اعظم بلایا و محن و آلام و اشدّ متاعب سجن و سلاسل و اغلال را حق بنفسه در سیبیل جمالش حمل فرمود و بکمال سرور و حبور و تمام روح و ریحان ایّام مبارک را در سجن و زندان بگذرانند شما نیز ای احبای الهی هر یک بقدر لیاقت و استعداد خویش از این موهبت عظمی بهره‌ئی باید ببرید و از این رحمت کبری نصیبی باید بگیرید چون بحقیقت ملاحظه فرمائید چه فضلی اعظم از این فضل و چه احسانی اکبر از این احسان که در این سیبیل رحمن در بلایا شریک جمال قدم باشید و سهیم نیر اعظم گردید بشری للمخلصین

و اگر از عوالم الهیه و جهان معنوی الهی که بعد از عروج این ارواح بملکوت ابهی و جبروت اعلی مقدّر شده بوئی بمشامّ جهانیان رسد البتّه هر یک در قربانگاه در سیبیل محبت اللّه بکمال شوق و اشتیاق بشتابند و اگر نفحات معطره آن جهان الهی مشامّ روحانیان را معنیر نمینمود و قلوب مبارکشانرا انوار ساطعه از افق ابهی منور نمیکرد هرگز این بلایای شدید و مصائب کلّیه را تحمّل نمیفرمودند پس بدانید که نسائم جانبخش جهان الهیست که مشامّ اولیای الهی را معطر نموده و ارواح مقدّسشانرا مبشّر کرده که باین حلاوت شدائد اذیت و نعمت اهل عالمرا تحمّل مینمایند

و اگر مواهب آن عوالم الهیه و اسرار آن ملکوت باقیه در این عالم فانی و جهان ترابی مشهود و واضح نیست جای عجب نه و وسیله شک و شبهه نیست زیرا این واضح و مشهود بلکه بدیهیست که هر استعداد و لیاقتی و قوا و کمالی که هر شیء در رتبه‌ئی از مراتب تحصیل و اکتساب مینماید در رتبه ما فوق آن رتبه چون مبعوث شود ظاهر گردد مواهب مکتسبه در رتبه اوّل که ما دون این رتبه است در این رتبه ما فوق ظاهر و آشکار شود و بعبارة اخری کمالات مکتسبه در عالم ما دون ظهورش در عالم ما فوق است زیرا آن عالم ما دون استعداد وسعت ظهور آن مواهب را ندارد مثلاً استعداد و مواهبی را که جماد در عالم جماد تحصیل مینماید در عالم جماد مشهود نگردد بلکه چون از عالم جماد بعالم نبات انتقال نماید آن موهبت موهوبه رخ

بگشاید و چون نبات استعداد حصول جسم حسّاسی را در عالم نبات تحصیل نماید حین انتقال بعالم حیوان این کمال ظاهر شود و چون انسان در عالم رحم قوّه باصره و قوّه سامعه و قوّه شامّه و قوای سائره و احساسات بشریّه و کمالات انسانیّه را اکتساب نماید در عالم رحم سعت و گنجایش ظهور این مواهب موجود نه بلکه غیر ممکن و محالست که بصر عیان شود و سمع نمایان گردد لکن چون از تنگنای رحم مادر باین عالم وسیع منور انتقال نماید آن چشمش روشن و بینا گردد و گوشش شنوا شود و لسانش گویا گردد و کمالاتش واضح و عیان گردد و یقین داند بلکه مشهود بیند که این مواهب را جمیعاً در عالم ظلمانی رحم اکتساب و تحصیل نموده بود ولکن آن عالم سعت و گنجایش ظهور این اسرار را نداشت بلکه خود مولود نیز بتمامه از این مواهب بی‌خبر بود و اگر چنانچه جبریل بر او نازل میشد و خبر میداد که چنین فضل و عنایتی بتو در این محلّ تنگ و تاریک احسان شده قبول نمینمود بلکه تکذیب میکرد حال بهمچنین فضل و مواهبی و الطاف و رغائبی که بنفوس مقدّسه در این عالم عنایت شده و کمالاتیکه تحصیل نموده‌اند این عالم سعت ظهور آنرا ندارد بلکه چون بعوالم سائره الهیّه انتقال نمایند آن موهبت کبری رخ بگشاید و آن رحمت عظمی جمال بنماید و همچین جنینی که از این مواهب محروم بود محرومیتش بعد از انتقال ظاهر و عیان گردد مثل اینکه محرومیت و نقائص نفوس محتجبه نیز بعد از فوت از این عالم معلوم و مشهود گردد

عبده عباس